

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛ شبکه های توجه گرافی (GAN)

مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



آموزش استفاده از وب آو ساینس

کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی

بررسی نقش استراتژی‌های طراحی محیطی در کاهش وقوع جرم و جنایت و افزایش امنیت در شهرهای مرزی

علی اکبر سردره^۱، عباس بشیری^۲، علی رستگار موحد^۳

۱- کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروزکوه، گروه معماری

۲- کارشناس ارشد روابط بین‌الملل، مربی گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودبار

۳- دانشجوی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروزکوه

alisardareh@hotmail.com

چکیده

با توجه به اهمیت بیشتر موضوع امنیت در شهرهای مرزی انتظار می‌رود تا راهکارهای طراحی و برنامه‌ریزی شهری به گونه‌ای فعالتر در ارتقای امنیت ساکنین و کاهش احتمال وقوع جرم مورد استفاده قرار گیرند. امنیت و ایمنی به عنوان یکی از عوامل بسیار تاثیرگذار در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سکونتگاههای شهری مطرح شده‌اند. در نتیجه امن‌سازی فضاهای شهری به عنوان یکی از ضرورت‌های اساسی شهرسازی مطرح است. به همین دلیل بسیاری از تلاشها در عرصه‌ی شهرسازی به دنبال کاهش وقوع جرم از طریق طراحی محیطی مناسب (CPTED) می‌باشند. امنیت در فضاهای شهری دارای دو بعد عینی و ذهنی است. بعد عینی امنیت با آمار وقوع جرم و جنایت بیان می‌شود و ابعاد ذهنی و روانی امنیت که تحت عنوان احساس امنیت بیان می‌شود، بیشتر تحت تاثیر مولفه‌های روانشناختی و اجتماعی می‌باشد. در مقاله‌ی حاضر در ابتدا به تعریف امنیت در فضای شهری و مولفه‌های روانی و عینی تاثیرگذار در آن اشاره می‌شود و سپس به بیان شاخصهای کالبدی منظر شهری که در امنیت تاثیر گذارند پرداخته می‌شود و در نهایت به بیان راهکارهای طراحی شهری مناسب در جهت ارتقای امنیت هم در ابعاد ذهنی و هم در ابعاد عینی می‌پردازیم. به نظر می‌رسد که احساس ناامنی در برخی از شهرهای مرزی تا حدود زیادی تحت تاثیر مولفه‌های روانی است و بنابراین می‌توان با افزایش حس تعلق و وابستگی به مکان (از طریق راهکارهای شهرسازی) به افزایش احساس امنیت در این شهرها کمک نمود.

واژگان کلیدی: امنیت، شهرهای مرزی، CPTED، طراحی محیطی

مقدمه:

امنیت دارای مفهومی گسترده و در برگیرنده ابعاد مختلف روانی و اقتصادی و اجتماعی است. در معنای عام می‌توان امنیت را تامین حداقل نیازهای انسان و عدم تعرض به آنها تعریف نمود. امنیت و ایمنی (safety and security) به عنوان یکی از عوامل بسیار تاثیرگذار در توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی سکونتگاههای شهری مطرح شده، به گونه‌ای که بر اساس بررسی‌های بانک جهانی و سازمان ملل متحد میزان تولید ناخالص داخلی (GDP) و همچنین نرخ جذب سرمایه‌گذاری در شهرها دارای رابطه‌ی مثبت و مستقیم با سطح امنیت در آنها دارد. در گزارش سال ۲۰۰۷ اسکان بشر سازمان ملل متحد سه عامل اساسی تهدیدکننده‌ی ایمنی و امنیت در مناطق شهری به صورت زیر ذکر شده است:

۱- وقوع جرم و جنایت در مناطق شهری.
۲- عدم ایمنی در مقابل حوادث و بحرانهای طبیعی و انسان ساخت.
۳- عدم ایمنی در تصرف محل سکونت و تخلیه اجباری.

مقابله با این عوامل تهدید کننده به منظور افزایش سطح ایمنی و امنیت شهری موضوع کار رشته های مختلف از جمله طراحی و برنامه ریزی شهری، مدیریت شهری، اقتصاد و سیاست و... است. امروزه با پیچیده شدن عوامل مختلف موثر بر ایمنی و امنیت در شهرها و عدم توانایی دولت ها در تامین آن در مناطق شهری مفهوم تامین امنیت چگونگی آن دچار تحول اساسی گردیده است. برنامه ریزان در قرن حاضر به این نتیجه رسیده اند که تامین امنیت باید با مشارکت و مداخله مستقیم جوامع محلی صورت گیرد. از عوامل مهم تاثیر گذار در میزان مشارکت جوامع محلی در ارتقاء امنیت، میزان درک و آگاهی آن ها از مفهوم امنیت و همچنین میزان احساس امنیت آن ها در سکونتگاه های خویش می باشد. بر اساس تحقیقات انجام شده برداشت عمومی (conventional wisdom) از مفاهیم ایمنی و امنیت و میزان سطح آنها تا حدود زیادی از واقعیت های این دو مفهوم به دور است. بر اساس این تحقیقات میزان احساس امنیت مردم در مناطق مختلف شهری تحت تاثیر شدید عوامل اجتماعی و روانشناختی است؛ به گونه ای که ویژگی های شخصی، اخبار رسانه ها و میزان همبستگی اجتماعی در محل از عوامل موثر در احساس امنیت می باشد.

شهرسازی به عنوان دانش و هنر ساماندهی به سکونتگاههای انسانی وظیفه ی مهمی در ارتقاء امنیت مناطق شهری دارد. محیط های شهری باید بستری مناسب و ایمن برای فعالیت های انسانی فراهم آورد. برای دستیابی به این مهم، استانداردهای کالبدی و محیطی در موارد مختلف اعم از مکانیابی و طراحی سایت های مسکونی تا مقاومت ساختمان ها و طراحی مناسب راه ها تعریف گردیده است. بسیاری از این استانداردهای کالبدی در گسترش های جدید به علت از پیش طراحی شده بودن آن ها رعایت شده است. ولی همان طور که بیان شد میزان احساس امنیت مردم تنها بر اساس این استانداردها شکل نمی گیرد بلکه برداشت آنها از احساس امنیت بیشتر تحت تاثیر عوامل اجتماعی و روانشناختی است. سوال اینجاست که نقش شهرسازی در این مورد چیست؟ آیا شهرسازی علاوه بر افزایش سطح واقعی استانداردهای کالبدی ایمنی و امنیت می تواند در افزایش احساس امنیت که بیشتر تحت تاثیر مولفه های اجتماعی - روانشناختی است نقش داشته باشد؟ یکی از عوامل تاثیر گذار در احساس امنیت میزان همبستگی اجتماعی و افزایش روابط همسایگی است. در واقع محیط های جدید مسکونی علاوه بر رعایت استانداردهای کالبدی مربوط به ایمنی و امنیت محیط باید از لحاظ روانشناختی و اجتماعی نیز موجب بالا رفتن احساس امنیت ساکنین شوند. این پژوهش به بررسی عوامل کالبدی و روانی تاثیر گذار بر امنیت شهری پرداخته و در نهایت پیشنهادات خود را در ارتباط با افزایش امنیت در شهر های مرزی پیشنهاد می دهد.

نیاز به ایمنی

نیاز به ایمنی و امنیت، در مرحله بعد از نیازهای اولیه انسان قرار دارد. مهمترین نیاز برای درک، شناخت و استفاده از مواهب محیط، تأمین نیازهای ایمنی است. در صورت عدم تأمین امنیت، ذهن فارغ نخواهد شد و بنابراین فرصت های خود را صرف درک امکانات دیگر نخواهد کرد. این نیاز از عدم احساس خطر شروع می شود. دور ماندن از مزاحمت دیگران و محافظت از عوامل اقلیمی و مهم تر از همه، امنیت هایی که عدم وجود آنها موجب از دست دادن موقعیت اجتماعی فرد خواهد شد، مانند: امنیت اجتماعی، اقتصادی، شغلی، مالی، بهداشتی و... در بر می گیرد. راه

حل‌های مختلفی جهت ایجاد احساس تأمین بودن و امنیت در هر کدام از موارد فوق وجود دارد یکی از مواردی که امنیت را القاء یا ایجاد می‌کند، داشتن تکیه‌گاه است. این نیاز در تمامی سنین وجود دارد و ارتباط و همجواری با افراد آشنا، در رابطه با خانواده، همسایه و... ارضاء می‌شود. شکل دیگر احساس امنیت، در رابطه با فضا صورت می‌گیرد و آن شناسایی محدوده و قلمرویی است که فرد در آن قرار دارد. این محدوده متناسب با سن و سال و با ادراک فرد و تربیت شخصی فرد، کم یا زیاد می‌شود. حتی محدوده این شکل از تأمین، با توجه به جمع یا فرد بودن اندازه‌های متفاوتی به خود می‌گیرد.

بدین ترتیب مقوله حریم‌ها و عرصه‌ها در باب امنیت و شناخت فضا از مقولات مشترک بین روانشناسان و طراحان فضا است. (پاکزاد، 1385، ص ۳۶)

تعریف امنیت

در بررسی مفهوم امنیت نکته‌ای که بیش از هر چیز جلب نظر می‌کند این است که هرچند تشخیص نموده‌های این مفهوم نسبتاً ساده است، اغلب ما در زندگی روزمره با آن مواجه هستیم و آن را تجربه می‌کنیم و بسیاری از اعمال و رفتار ما به امنیت اتکاء داشته و بر مبنای آن تنظیم می‌گردد. اما با وجود این، تعریف مفهومی این اصطلاح کاملاً چالش‌برانگیز است. اختلاف درباره تعریف امنیت عمدتاً از این واقعیت ناشی می‌شود که این مفهوم باتنوعی از معانی و در بسیاری از زمین‌های متفاوت به کار می‌رود. نسبی بودن بدیهی‌ترین ویژگی پدیده "امنیت" است. مفهوم سازی امنیت هنگامی پیچیده و بغرنج تر می‌شود که آن را موضوعی بین رشته‌ای تصور کنیم که مورد توجه روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و علمای علم سیاست قرار دارد. زیرا هر یک از دیدگاه خاص خود به بررسی موضوع می‌پردازند.

جالب آنکه در کنار اختلافات بین رشته‌ای، در هر کدام از رشته‌های مذکور با توجه به رویکردهای نظری گوناگون، اختلاف نظر عمیقی در مورد تعریف مفهومی امنیت و عوامل تأثیرگذار بر آن وجود دارد. عامل اخیر بدون تردید، توافق در مورد مفهوم سازی امنیت را مشکل تر می‌سازد.

ریشه لاتین کلمه (security) واژه (secures) است که در لفظ به معنای "بدون دغدغه" است. واژه "امنیت" در کاربرد عام به معنای رهایی از مخاطرات مختلف است. فرهنگ آکسفورد این واژه را با عبارت زیر تعریف کرده است "شرایطی که در آن یک موجود در معرض خطر نبوده یا از خطر محافظت می‌شود (کینگ و موری، 1383، ص 787). تعاریف مندرج در فرهنگ لغات درباره مفهوم کلی امنیت، بر روی "احساس آزادی از ترس" یا "احساس ایمنی" که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارند (ماندل، 1379، ص 46).

امن بودن فضا خود دارای دو مولفه است:

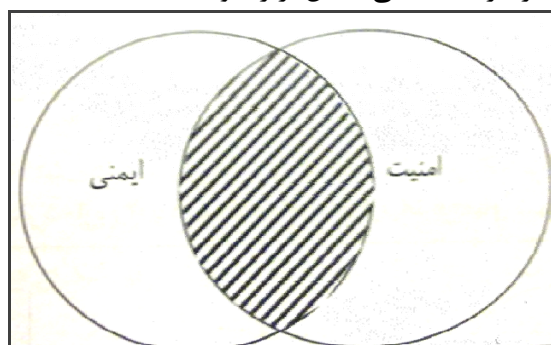
الف- ایمنی

ب- امنیت

در مولفه ایمنی، اشاره به موارد و عوامل محیطی است که در صورت عدم تأمین شرایط مطلوب وقوع حوادث اجتناب‌ناپذیر است و خطرات به صورت بالقوه و بالفعل جان و مال حاضران، عابران و ناظران را تهدید خواهد نمود. مصادیق این مولفه شامل:

- ایمنی در برابر آتش سوزی

- ایمنی در برابر آلودگی های زیست محیطی (هوا، صدا و ...)
- ایمنی در برابر حوادث رانندگی
- ایمنی در برابر حوادث غیرمترقبه طبیعی (سیل، زلزله و ...)



نمودار شماره ۲: فضای شهری امن (فصل مشترک مولفه ای ایمنی و امنیت) - ماخذ: صالحی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۳

مولفه امنیت نیز اشاره به جرایم علیه اشخاص و اموال آن ها دارد که در صورت عدم تامین شرایط پیش گیری کننده، اموال و جان حاضران، عابران و ناظران را به صورت بالقوه و بالفعل تهدید خواهد نمود. مصادیق این مولفه نیز شامل:

- جرایم علیه اشخاص (شامل ایراد ضرب و جرح عمدی و غیر عمدی، قتل، تجاوز جنسی و ...)
- جرایم علیه اموال (شامل سرقت از مغازه، اتومبیل، دستبرد و دزدی اموال خانه ها، جیب بری، کیف قاپی و ...)

یک فضای شهری امن در معنای کامل آن شامل هر دو مولفه فوق الذکر می شود و شرایطی که از فصل مشترک این دو به وجود آید را می توانیم به عنوان فضای شهری امن توصیف کنیم.

بنابراین فضای شهری امن از ویژگی ها و مولفه های عینی و کالبدی متعدد و گسترده ای برخوردار است که بعضا دارای تاثیرات متقابل نیز هستند. اما علاوه بر این ها یک فضای شهر امن مستلزم تعاملات اجتماعی نیز هست. چنان که جین جیکوبز در سال ۱۹۶۱ گفت: آرامش و امنیت شهرها صرفا به وسیله پلیس تامین نمی شود. بلکه آرامش و امنیت عمدتا به وسیله ایجاد شبکه ای پیچیده و تقریبا ناخودآگاهی از نظارت ها و رعایت داوطلبانه هنجارها در میان خود مردم حفظ می شود و به وسیله خود مردم اجرا می گردد. (صالحی، ۱۳۸۷، صص ۱۱۲-۱۱۳)

۱۲-۲- عوامل تاثیرگذار بر امنیت از دیدگاه CPTED

همان طور که در قسمت قبل ملاحظه گردید، نظریات مختلفی درباره کاهش شرایط جرم خیزی فضاهای شهری ارائه شده است. در این قسمت با در نظر گرفتن جامع این نوع نظریات، مولفه ها و معیارهای زیر بر ایجاد امنیت در فضاهای شهری موثرند:

- الف- اندازه و فرم فضا
- ب- آسایش بصری و محیطی
- پ- سازمان فضایی و نفوذپذیری
- ث- کیفیت مسکن و کاربری زمین

۱-۱۲-۲- اندازه و فرم فضا

این مولفه به عنوان یک مولفه کلی در پیشگیری از جرایم جهت بررسی تفصیلی به دو معیار زیر قابل تقسیم است:

۱- اندازه فضا

۲- فرم کالبدی فضا

اندازه فضا

ارسطو معتقد است که شهر نباید آن قدر بزرگ باشد که صدای کمک خواهی مردم از پشت دیوارهای آن شنیده نشود. یافته‌های مطالعاتی و نظریات ارائه شده معاصر نیز حاکی از آن است که اندازه فضا در متغیرهای امنیت و آسایش اجتماعی تاثیر می‌گذارد و این از یک سو می‌تواند موجب افزایش اضطراب، ناسازگاری و خشونت‌های شهری شود و از سویی دیگر انسجام و روابط اجتماعی را در مقابل آسیب‌شناسی تقویت نماید.

به طوری که کامیلو سیتته اظهار می‌دارد که اندازه فضا در ایجاد روابط اجتماعی تاثیر دارد، در ابعاد کوچکتر فضا، روابط صمیمانه تری برقرار است. (تولایی، ۱۳۷۹، ص ۳۹)

مامفرد برای برقراری روابط اجتماعی، محدودیت در اندازه و تراکم جمعیت را ضروری می‌داند. مامفرد با مطرح کردن ابعاد و مقیاس انسانی در ساخت شهر، حصار و دیواره شهر را مظهر وحدت و امنیت شهرهای تاریخی معرفی می‌کند. توجه به مقیاس‌های انسانی در اندازه میادین و فضاهای شهری از سوی صاحب‌نظران دیگر نیز مطرح شده است. کالینز معتقد است در میدان‌های عظیم شهرهای کنونی، بسیاری از مردم دچار اضطراب می‌شوند و میدان‌های کوچک و قدیمی را ترجیح می‌دهند که در علم روانشناسی این مسئله به بیماری ترس از فضاهای باز یا آگورا فوبیا شهرت دارد. (تولایی، ۱۳۷۹، صص ۱۹-۱۱)

از سویی دیگر صاحب‌نظران روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسان، نیاز به خلوت و مسئله احساس ازدحام در فضاهای کوچک در ارتباط مستقیم با آسیب‌شناسی رفتارهای اجتماعی مورد توجه قرار داده‌اند. لذا برای موضوع مذکور باید آستانه‌ای در نظر گرفت. (صالحی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۵)

فرم فضا

بدون شک یک مجرم نمی‌خواهد در حال ارتکاب جرم دیده شود و بدون تردید، عدم رویت بصری ناشی از فرم فضا، شرایط بسیا مناسبی برای اهداف و رفتارهای بزهکاران و خلافکاران فراهم می‌سازد. در تعریف از کیفیات فرم فضا، کون لینچ، ویژگی‌های متفاوتی از قبیل نمایانی، خوانایی و ... را در کتاب سیمای شهر نقد و بررسی می‌کند. برای مثال نمایانی کیفیتی است که به احتمال بسیار تصویری روشن در ذهن هر ناظر به وجود می‌آورد. مراد از آن شکل، رنگ و نظم و سامانی است که با ایجاد تصویری روشن و مشخص ... رویت محیط زندگی آدمی را آسان و میسر می‌دارد، جایی که نه تنها قابل رویت است، بلکه به شدت و به وضوح تمام خود را آدمی عرضه کند. (لینچ، ۱۳۷۲، ص ۲۵)

توجه به کنج‌ها، فضاهای گم سطوح U ، L شکل، در این جا بسیار مهم می‌باشد. این فضاها باید به گونه‌ای طراحی شود که فضا قابل رویت باشد. (صالحی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۲)

۲-۱۲-۲- آسایش بصری و محیطی

آسایش بصری و محیطی از مولفه‌های مهم و اساسی محیط‌های شهری امن محسوب می‌شود چرا که "برای سکونت و زندگی، شهر خانه‌ای است، بزرگ و همان گونه که خانه باید از صفات و مزایایی برخوردار باشد تا سکونت

و زندگی را مطلوب و آسایش بخش سازد، شهر نیز باید دارای کیفیات و ویژگی‌هایی برای تامین آسایش، راحتی و امنیت باشد. (لینچ، ۱۳۷۲، ص ۲۵)

نتایج بررسی‌های انجام شده حاکی از وجود همبستگی آماری میان فراوانی وقوع جرم با مکان‌های آلوده است. مولفه‌های مورد نظر در این خصوص، شامل محورهای زیر می‌شود:

- ۱- آلودگی نمادی (اطلاعات محیطی) و خوانایی
- ۲- آلودگی دیداری (اغتشاش بصری)
- ۳- آلودگی رنگ (کاربرد نامطلوب رنگ‌ها در فضای شهری)
- ۴- آلودگی نور (تاریکی)
- ۵- آلودگی محیطی (وجود مواد زائد جامد در محیط)
- ۶- آلودگی صوتی

۳-۱۲-۲- سازمان فضایی و دسترسی

در چارچوب این مولفه در قالب سه معیار متمایز میزان و چگونگی دسترسی به عنوان مشخصه محوری و مشترک هر سه معیار مورد توجه قرار می‌گیرد.

براین اساس، مولفه سازمان فضایی و دسترسی در چارچوب بررسی به معیارهای زیر قابل تقسیم است:

- ۱- وضعیت نفوذپذیری قلمروها
- ۲- وضعیت دسترسی
- ۳- فضاهای زنجیره‌ای حمل و نقل عمومی (صالحی، ۱۳۸۷، صص ۱۹۵-۱۸۴)

۴-۱۲-۲- کیفیت مسکن و کاربری زمین

معمولاً ابعاد کیفی سکونت در سطوح تحلیل شهری در ارتباط با کاربری زمین مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. در واقع بررسی توانان کاربری مسکونی و نیز سایر کاربری‌ها از این رو اهمیت دارند که عامل شناخت نحوه توزیع خدمات و فعالیت‌های شهری و نیز کیفیت روابط (تاثیر و تاثیر متقابل) آن‌ها می‌گردد و از این حیث می‌تواند به عنوان عامل مطلوب و یا نامطلوب و تاثیرگذار شهری ارزیابی گردد که تاثیر آن هم بر شرایط اقتصادی و اجتماعی شهر و هم بر الگوهای رفتاری قابل توجه خواهد بود.

این مولفه با توجه به ماهیت اجزای آن به معیارهای زیر قابل تقسیم است:

- ۱- کیفیت سکونت
- ۲- کیفیت توزیع کاربری زمین

کیفیت سکونت

کیفیت عمومی سکونت، نقش بسیار قاطعی در بروز رفتارهای اجتماعی مطلوب و یا آنومیک دارد. این موضوع از آن جا ناشی می‌شود که به طور اساسی تعریف مسکن، فراتر از تعریف آن صرفاً به عنوان یک سرپناه است و کیفیت آن نیز حائز اهمیت و توجه است.

چرا که، "تمام احتیاجات انسان او را وامی‌دارد تا سکونت‌گزینند. از این رو سکونت را می‌توان بنیاد آسایش جسمی

و روانی آدمی تلقی نمود." (امیر یاراحمدی، ۱۳۷۸، ص ۱۲)

در بررسی کیفیت سکونت دو عامل مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱- کیفیت عمومی مسکن

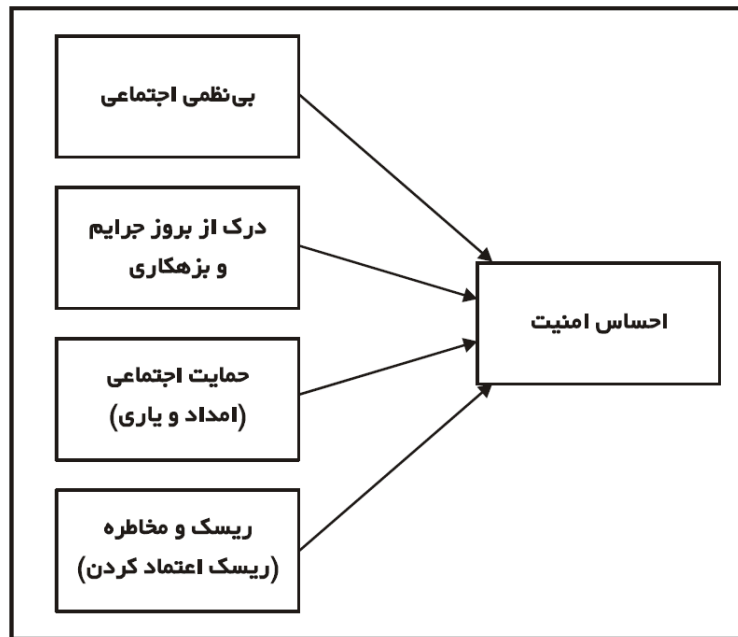
۲- بهره‌مندی از خدمات عمومی واحدهای مسکونی

کیفیت فعالیت و کاربری زمین

هر فعالیتی که توسط انسان صورت می‌گیرد، اساساً متکی به زمین است. معماری و شهرسازی با فضاهایی سروکار دارد که انواع فعالیت‌ها در آن چارچوب اتفاق می‌افتد. شهرها متمرکزترین نقاط استفاده از زمین توسط انسان‌هاست و کاربری زمین عبارتست از نحوه یا نوع استفاده از زمین به جهت نوع فعالیتی که در آن انجام می‌شود. منطقه‌بندی یکی از قوانین کاربری زمین است که برای کنترل رشد و توسعه بهداشت، ایمنی و رفاه جامعه به کار می‌رود. منطقه‌بندی کاربری زمین جابه‌جایی و تحرک فعالیت‌ها، تهاجم و توالی آن‌ها را در حوزه‌های مکانی محدود می‌کند. به‌رغم آن‌که منطقه‌بندی کاربری‌های زمین شهری از نظر شرایط بهداشتی و ایمنی، شرایط مطلوبی فراهم می‌کند، ولی از نظر امنیت اجتماعی و استراتژی‌های CPTED مورد نقد قرار می‌گیرد. وحشت‌برانگیزتر از منطقه‌بندی تک‌عملکردی، الگوهای تک‌عملکردی است که در هر جا به کار گرفته شده، امنیت شهر را به‌طور کلی ویران و غیرقابل‌زندگی نموده است. به‌همین دلیل کاربری مختلط زمین و یا نگرش سه‌بعدی به تقسیم‌بندی مناطق مجدداً مطرح شده است. یکی از معروف‌ترین طرفداران استفاده چندمنظوره از فضاهای شهری جین جیکوبز است. او یادآور شد که شهرها به‌طور ذاتی قابلیت تغییرپذیری دارند و استفاده چندمنظوره از فضا یک اصل از قابلیت تغییرپذیری است. نظریه استفاده چندمنظوره از فضاهای شهری فواید اقتصادی و اجتماعی بی‌شماری را در بردارد. فایده اجتماعی آن روابط اجتماعی سالم و متعادلی است که بین اقشار مختلف جامعه به وجود می‌آورد و برای عابرین پیاده در محیط‌های شهری بعد از ساعات اداری امنیت فراهم می‌کند. (صالحی، ۱۳۸۷، صص ۲۱۰-۲۰۵)

۱۳-۲- الگوی تحلیلی عوامل روانی تاثیرگذار بر احساس امنیت

نمودار ۲ الگوی تحلیلی بررسی حاضر را نشان می‌دهد. قبل از آنکه به بررسی علل و عوامل مؤثر بر احساس امنیت بپردازیم، ذکر چند نکته ضروری است: اول اینکه چارچوب نظری تحقیق حاضر یک نظریه تلفیقی است. بنابراین، متغیرهای موجود در مدل نه از یک تئوری، بلکه از چند تئوری و دیدگاه اخذ گردیده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: نظریه پنجره‌های شکسته (کلینگ، ۲۰۰۱، صص ۳)، نظریه تقویت ساختاری (روس و دیگران، ۲۰۰۱، صص ۴) الگوی توسعه خطی (تونیس، ۱۳۸۱، صص ۳) و نظریه نظم اجتماعی (چلبی، ۱۳۷۵، صص ۶) نکته دیگر این‌که نظریه‌های مورد بحث قابل‌مقایسه هستند. همه آنها در یک چیز مشترک‌اند: بررسی احساس امنیت. آنها این موضوع را در ارتباط با افزایش جمعیت، گسترش شهرها و توسعه صنعت و... در اجتماع مطالعه می‌کنند. نظریه‌های مذکور عمدتاً احساس ناامنی و ترس شهروندان را با تضعیف جهان‌مدرن، مرتبط میدانند و اعتقاد دارند در عصر حاضر سازوکارهایی وجود دارد که می‌توان به تقویت آن پرداخت.



نمودار شماره ۲: الگوی تحلیلی عوامل تاثیر گذار بر احساس امنیت

ماخذ: مقاله سنجش احساس امنیت در تهران، ۱۳۸۵، ص ۵

و نهایتاً اینکه هرچند در الگوی تحلیلی بر رابطه یک سوبه میان متغیرها تأکید شده است، با وجود این رویکردهای نظری مورد بررسی غالباً به رابطه دوسویه و متقابل متغیرها توجه می‌کنند. چنانکه برای مثال در این نظریه‌ها بر این نکته تأکید می‌شود که بی‌نظمی اجتماعی میتواند ریسک و مخاطره (ریسک اعتماد کردن) را ایجاد کند و ریسک و مخاطره نیز سبب احساس ناامنی و ترس می‌شود. همچنین احساس ناامنی و ترس نیز به نوبه خود می‌تواند موجب کناره‌گیری افراد از فعالیت‌های اجتماعی، محدود شدن ارتباطات آنها و تضعیف کنترل اجتماعی غیررسمی شود و زمینه مناسبی را برای بی‌نظمی اجتماعی فراهم سازد. در واقع یک چرخه معیوب میان بی‌نظمی اجتماعی، ریسک و مخاطره و احساس ناامنی و ترس وجود دارد که می‌تواند یکدیگر را تولید و باز تولید نمایند. در ادامه رابطه متغیرهای مستقل با احساس ناامنی و ترس تشریح میشود.

۱-۱۳-۲- بی‌نظمی اجتماعی و رفتارهای غیر مدنی

بی‌نظمی یکی از ابعاد بی‌سازمانی اجتماعی است (سامسون و گراوز، ۱۹۸۹، ص ۲). علائم فروپاشی نظم اجتماعی در منطقه مسکونی به وضعیتی مربوط است که در آن بی‌نظمی با علائم قابل رؤیت نشان داده می‌شود و ساکنین مناطق شهری می‌توانند آنها را درک کنند، علائم مذکور می‌توانند اجتماعی یا فیزیکی باشند. بی‌نظمی اجتماعی به مردم ارجاع می‌شود. نشانه‌های قابل رؤیت بی‌نظمی اجتماعی به خرید و فروش مواد مخدر و مصرف آن، سرقت، اخاذی و زورگیری و... دلالت دارد (یانگ و جانسون، ۲۰۰۱، ص ۶)

افرادی که اعلام می‌کنند، منطقه مسکونی آنها دچار بی‌نظمی و اختلال است، یعنی اینکه جنایت و بزهکاری، ویرانگری، اخاذی، زورگیری و... وجود دارد، ممکن است میزان بالایی از ترس و بی‌اعتمادی را از خود به نمایش بگذارند. در واقع علائم مرئی بی‌نظمی در منطقه مسکونی، ممکن است ترس را در میان ساکنین افزایش دهد. در

اینجا ترس از قربانی تبهکاری شدن به عنوان یک پاسخ احساسی یا عاطفی مفهوم سازی می شود که با وحشت، دلواپسی و نگرانی درباره قربانی تبه کاری شدن مشخص میگردد.

تحقیقات مختلف نشان میدهد که بی نظمی و رفتارهای غیر مدنی در منطقه مسکونی با ترس از جنایت و تبهکاری رابطه مثبت دارد. تصور خطر قربانی تبهکاری شدن ممکن است تأثیر بی نظمی بر ترس را میانجی گری کند (روس و یانگ، 2000، ص ۹)

همچنین کسانی که در مناطق بی نظم زندگی می کنند، احتمال بیشتری دارد که نسبت به دیگران سوء ظن داشته باشند و بی اعتمادی نشان دهند. آنها ممکن است نیت و رفتارهای دیگران را غیرحمایتی و حتی خصمانه ارزیابی کنند و دارای این اعتقاد باشند که افرادی که پیرامون آنها زندگی می کنند، می خواهند به آنها صدمه بزنند. افرادی که میگویند در منطقه های زندگی می کنند که جنایت، رفتارهای غیر مدنی و آزار و اذیت رایج است، ممکن است به دیگران بی اعتماد باشند. از این رو به لحاظ نظری زندگی در وضعیت تهدید آمیز بی اعتمادی را افزایش میدهد.

جورج کلینگ در باره بی نظمی اجتماعی به طرح نظریه ی پنجره شکسته می پردازد. این نظریه به چند نکته ی اساسی می پردازد.

- اعمال غیرمدنی، رفتار و وضعیت بی نظم و تخلفات جزئی می توانند بر شهروندان آثار تراکمی داشته باشند.
- چنین مسائلی ترس از جنایت و تبهکاری را افزایش می دهد.
- شهروندان بر مبنای این ترس و نگرانی عمل می کنند - آنها نقل مکان می کنند، اقدامات احتیاطی و حفاظتی به عمل می آورند و بر اساس ترس به شیوه های دیگری زندگی شان را شکل می بخشند.
- بی نظمی و ترس همانند حلقه های زنجیر با تبهکاری جدی و زوال شهری مرتبط اند.
- آثار بی نظمی بر محلات شهری به شکل قابل توجهی متفاوت است. بعضی از محلات یا مناطق میزان بالایی از بی نظمی را می پذیرند، در حالی که بعضی دیگر از آنها در مقابل سطح پایینی از بی نظمی آسیب پذیر نشان می دهند. (روس و دیگران، 2001، ص ۱۲)

با الهام از کلینگ در بررسی زمینه های نا امنی و بی اعتمادی در همسایگی، "تئوری تقویت ساختاری" را مطرح می کنند. بر اساس این نظریه، بی اعتمادی هنگامی روی میدهد که منابع و فرصتها کمیاب و محدود هستند، بی نظمی جنایت، تهدید و خطر رایج است و مردم احساس می کنند در اجتناب از آسیب فاقد توانایی لازم هستند. بر مبنای نظریه تقویت ساختاری سه عامل مهم سطح اعتماد را تعیین می کند و بر آن تأثیر میگذارد.

۱- احتمال آشکار تهدید.

۲- درجه یا میزان اطمینان نسبت به توانایی خود در رویارویی با تهدید.

۳- شدت خسارت ناشی از اعتماد به کسی که از آن سوء استفاده میکند.

هنگامی که محیط آشکارا تهدید کننده باشد، سوء ظن و بی اعتمادی در میان کسانی که احساس می کنند توان اجتناب از تهدید یا مدیریت آن را ندارند و همچنین در میان افرادی که توانایی لازم برای قبول خسارت را ندارند، تقویت می گردد. هنگامی که خطر بالا است، بی اعتمادی توسعه می یابد. خصوصاً این وضعیت بیشتر برای آنهاست که از اعتمادشان سوء استفاده می شود، صادق است. به طور کلی بی نظمی اجتماعی و رفتارهای غیرمدنی میتواند امنیت وجودی و اعتماد بنیادی را تضعیف نماید. وجود عوامل مذکور در منطقه مسکونی و در جامعه شهری همگی

برای پیله های حفاظتی که امنیت وجودی فرد را تضمین می کنند، تهدید بزرگی محسوب می شوند. زیرا آسایش خاطر را که درون پیله بر قرار ساخته اند در هم می شکنند.

بر طبق نظر گیدنز اعتماد بنیادین در ارتباط با خطر های احتمالی یا واقعی ناشی از کنشها و واکنش های متقابل، همچون غربال عمل می کنند. به اعتقاد گیدنز شیرازه زندگی، چه به مفهوم جسمانی آن و چه به مفهوم روا نشناختی اش، به طور ذاتی در معرض خطرهای احتمالی قرار دارد. آن برداشت (آسیب ناپذیری اجتماعی) که احتمالات منفی را، به نفع نوعی حالت امیدواری کلی، مردود و مطرود می شمارد در حقیقت از اعتماد بنیادین الهام می گیرد (گیدنز، 1378، ص ۲۵). در عمل، پیله حفاظتی به منزله سرپوش گذاشتن بر تمام رویداد های احتمالی است که می توانند تمامیت جسمانی یا روانی فرد انسانی را به خطر بیندازد. سد محافظتی که پیله حمایتی به وجود می آورد ممکن است زیر ضربات حوادثی که احتمالات منفی خطر کردن های جاری، پدید می آورند، به طور موقت یا برای همیشه، ترک بر دارد. بنابراین، می توان تصور نمود، افرادی که با بی نظمی اجتماعی و رفتارهای غیرمدنی مواجه میشوند به طور مستقیم یا غیر مستقیم تحت تأثیر این رویداد های ناخوشایند قرار می گیرند. چنان که برای مثال افرادی که به منزلشان دستبرد زده میشود یا وسیله نقلیه شان به سرقت می رود یا افراد ناشناس به آنها حمله میکنند، یا از طرق مختلف (دوستان، آشنایان، رسان ههای جمعی و...) در جریان این حوادث که برای دیگران اتفاق افتاده است قرار می گیرند، در فکر و رفتارشان تغییر آشکاری ایجاد می گردد. اینها همه مواردی هستند که از رهگذر آن پیله محافظ افراد، دست کم به طور موقت پاره می شود یا حتی به طور دائم از بین می رود و بدین ترتیب ترس و اضطراب دائمی را در افراد موجب می شوند.

۲-۱۳-۲- ریسک و مخاطره:

ادبیات ریسک نشان می دهد که این اصطلاح به شیوه های مختلف مفهوم سازی می شود. در میان دیدگاه های موجود، رایجترین شیوه دیدگاه رئالیستی است که اساساً در رهیافت فنی و علمی توسعه یافته بیان می شود. در این دیدگاه ریسک بر احتمال پیامد های منفی ناخواسته یک حادثه یا فعالیت دلالت دارد یا به عنوان عاملی بالقوه برای تحقق پیامد ها و نتایج ناخواسته و منفی برای زندگی انسان و سلامتی او تعریف میشود. (لیتون، ۱۹۹۹، ص ۱۷)

دیدگاه مهم دیگر تعریف گرایی (برسازی) اجتماعی است که عمدتاً مورد پذیرش کسانی است که علاقه به جنبه های اجتماعی و فرهنگی ریسک دارند. در دیدگاه اخیر ریسک به عنوان احتمال حوادث نامطلوب و زیانبار تعریف می شود که با درجاتی از اعتماد، پذیرش مسئولیت و تعهد و یا اشتراک در منافع تشدید یا تخفیف می یابد (مک گیل و سو، 2005، ص ۱۰۹)

در ارتباط با تعاریف بیان شده می توان به چند نکته مهم اشاره نمود: اول اینکه در تعریف ریسک تمایزی بین واقعیت و احتمال وجود دارد. دوم اینکه احتمال عنصر اساسی ریسک در نظر گرفته شده است. سوم اینکه ریسک با عدم تعیین یا عدم قطعیت معنا پیدا میکند. و نهایتاً اینکه ریسک ارتباط مستقیم و محکمی با اعتماد دارد، نکتهای که پیش از هر چیز به تحقیق حاضر ارتباط پیدا می کند (یاماگیشی، 1998، ص ۳۵)

به اعتقاد بسیاری از جامعه شناسان ریسک و مخاطره، در مفهوم خاص خود اغلب به موازات اعتماد به کار برده می شود. هنگامی که تصمیم گیری و انتخاب میان شقوق مختلف در میان کنشگران مطرح است، ارتباط این مفاهیم بیشتر نمایان میگردد. کلمن اعتقاد دارد که تصمیم مبتنی بر اعتماد با نمونه های که نظریه پردازان تصمیم گیری،

تصمیم در وضعیت خطر یا ریسک می‌نامند، مطابقت می‌کند. ریسک و اعتماد از عوامل اصلی تصمیم‌گیری در شرایط نامطمئن

هستند و از عناصر جدایی‌ناپذیر آن به شمار می‌روند، ریسک و اعتماد دو وجه از تصمیم‌گیری هستند که ما از طریق آنها رخدادهای اجتماعی را مورد بررسی قرار داده و برای عمل دست به انتخاب می‌زنیم. قرار گرفتن در وضعیت اعتماد یعنی شرط بندی درباره اعمال غیرمعمول و غیرقابل مهار آتی دیگران که اغلب توأم با ریسک و مخاطره است. به دلیل اینکه ممکن است، کنش‌های پیش‌بینی نشده دیگران برای ما خطرهایی به همراه داشته باشد یا محول کردن برخی کارها به افراد دیگر ممکن است مفید واقع شود یا از آن سوء استفاده شود، برای همین است که ما می‌گوییم موقعیت‌هایی که اعتماد را در بر میگیرند، با ریسک همراه اند. موقعیت‌هایی که در آنها ریسک بستگی به نحوه عمل کردن دیگران دارد، اعتماد کردن به معنی به تأخیر انداختن، نادیده گرفتن، در پراختن قرارداد ریسک و عمل کردن به نحوی است که گویی خطری وجود ندارد (زتومکا، ۱۳۸۴، ص ۳۰۶)

لوهمان معتقد است که اعتماد را باید در رابطه نزدیک با مخاطره در نظر گرفت. به اعتقاد او، هرکجا که اعتماد مطرح باشد، فرد برای تصمیم‌گیری، شقوق گوناگونی را آگاهانه در ذهن خود بررسی می‌کند. از دیدگاه لوهمان اعتماد راه حلی برای مسائل مربوط به ریسک و مخاطره است و افراد باید اعتماد را به عنوان ابزار مقاومت در برابر پیچیدگی به کار بندند (زتومکا، ۱۳۸۴، ص ۱۳۸۴، ص ۲۲۹)

اعتماد نوعی ساز و کار است که نظام‌ها ایجاد می‌کنند تا بتوانند انتظارات و کنش‌های کنش‌گران را کانالیزه کرده و هدایت نمایند. ساز و کار اعتماد در جهان اجتماعی پیچیدگی انتشاری را کاهش می‌دهد و دایره مفروضات افراد درباره رفتار آینده سایرین را محدود می‌کند و بدین ترتیب کنش‌گران اجتماعی جنبه خاصی از کنش را انتخاب نموده و دیگر انتخاب‌های ممکن را بر اساس اصول خاص "رمزها" نادیده می‌گیرند و در چنین وضعیتی است که کنش‌های اجتماعی به هم مرتبط می‌گردند.

با در نظر داشتن رابطه بین دو مفهوم ریسک و اعتماد (اعتماد به عنوان ابزاری برای مهار ریسک و مقابله با عدم قطعیت‌ها است)، به سادگی می‌توان تأثیر بی‌نظمی اجتماعی و رفتارهای غیرمردمی را بر ریسک را بررسی کرد. چنان که در بخش گذشته اشاره شد بی‌نظمی اجتماعی می‌تواند بی‌اعتمادی را افزایش دهد و هزینه روابط و مبادلات اجتماعی را بالا ببرد. در وضعیت بی‌اعتمادی، در افراد نوعی بدبینی تدافعی برای حمایت از خود در مقابل خطرهای آتی و آسیب‌پذیری به وجود می‌آید.

بی‌اعتمادی سبب می‌شود که فرد عزم خود را در جهت هشیاری و مهار طرف یا طرف‌های مقابل به کارگیرد. احساس بی‌اعتمادی شخص را ملزم به رعایت احتیاط، اقدامات تدافعی و دوری از ریسک و به خطر انداختن خود، می‌نماید (زتومکا، ۱۳۸۴، ص ۱۲۰)

بی‌نظمی اجتماعی و بی‌اعتمادی ناشی از آن موجب می‌شود که افراد دایره آسیب‌پذیری خود را وسیعتر تعریف کنند و بسیاری از وضعیت‌ها و موقعیت‌های زندگی روزانه را با ریسک بالا و پرخطر ارزیابی نمایند. در چنین اوضاعی احتمال پیامد‌های ناخواسته و منفی حوادث و فعالیتها بیشتر مد نظر قرار می‌گیرد.

خلاصه اینکه بی‌نظمی اجتماعی می‌تواند ریسک اعتماد کردن را در موقعیت‌های مختلف زندگی افزایش دهد و به تبع آن احساس ناامنی و ترس را تقویت نماید.

۳-۱۳-۱- حمایت اجتماعی (یاری و امداد)

نظریات مورد بحث که به تبیین احساس امنیت در میان شهروندان شهرهای بزرگ می پردازند، وجود احساس ناامنی و ترس را عمدتاً به فروپاشی و اضمحلال اجتماع و زوال مدنیت نسبت می دهند . بر طبق الگوی توسعه خطی که ایده های تونیس، زیمل، ویرث و ردفیلد را منعکس می سازد، زندگی در سکونتگاه هایی که دارای جمعیت زیاد، متراکم و ناهمگون هستند، ایجاب می کند ، مردم در بیشتر مواقع با غریبه ها و افرادی که با آنها شبیه نیستند تماس داشته باشند (تیتله و گراسمیک، ۲۰۰۱، ص ۳۱۵)

برخی مطالعات نشان داده اند که چگونه وضعیت های شهری که این ناشناسی را افزایش می دهند، می توانند باعث افزایش خشونت گردند (کارپ، استن و یولز، 1999 ؛ به نقل از :مدنی پور، ۱۳۷۹، ص ۵) این می تواند منجر به افزایش آسیب های انسانی و نیز افزایش خطر برای کسانی که به لحاظ فیزیکی آسیب پذیری بیشتری دارند شود . همچنین گمنامی و ناشناختگی می تواند پیچیدگی و عدم قطعیت را در روابط و مناسبات اجتماعی را افزایش دهد و به عنوان محدودکننده اعتماد عمل نماید . در اوضاع ناشناختگی امکان پیش بینی صحیح و دقیق اعمال و کنش های دیگران بسیار مشکل می شود . همان طور که زتومکا به درستی اشاره می کند، در این وضعیت افراد در مواجهه با دیگران در وضعیت عدم قطعیت و سردرگمی قرار میگیرند. آنها درباره انگیزه ها، اهداف و استدلال های دیگران آگاهی کافی ندارند و با ابهام و پیچیدگی نیتها و ارزیابی دیگران مواجه هستند. این وضعیت زمانی بغرنج تر می گردد که بی نظمی اجتماعی و رفتارهای غیرمدنی نیز بر آن افزوده گردد. در این وضعیت زمینه مناسبی برای بی اعتمادی و احساس ناامنی و ترس فراهم می آید . در حالیکه ناشناختگی و غریبگی می تواند به عنوان محدودکننده اعتماد عمل نماید . نزدیکی ، صمیمیت و آشنایی که اصولاً در اجتماع زمینه رشد می یابد، راه را برای دستیابی به اطلاعات و قابل رؤیت ساختن اعمال و رفتار آنها فراهم میسازد و به تبع آن اعتماد را تقویت میکند . به طور کلی در سنت اجتماع تمرکز اصلی بر انسجام درونی است، یعنی بین فرد با سایر ساکنان در محلیت مشابه . در درون این زمینه، مبادله و دل بستگی از لوازم ضروری و درونی ایجاد همبستگی و دستیابی به اهداف جمعی می باشند، از دیدگاه تونیس، زیمل و ویرث، فقدان عوامل مذکور در ایجاد بسیاری از مشکلات و مسائل اجتماعی در مراکز شهری مؤثر هستند (فیگوترا، 2001، ص ۱۹).

اشکال توصیف شده مبادله از جانب نظریه پردازان گیمنشافت، شبکه های غیررسمی را شامل می شوند که تعامل نزدیک با خویشاوندان، دوستان و گروه ها را فراهم می سازند . تعاملات، شبکه ای از روابط عمیق عاطفی را در برمی گیرند . این نوع مبادله اشتراک در اطلاعات و مبادله کالا و خدمات را تقویت میکند . مبادله را می توان از طریق الگوهای ملاقات کردن، فراوانی و پراکندگی ارتباطات تلفنی میان ساکنان محلی، گردهمایی در مکان های محلی، عضویت در گروه های غیررسمی و محلی و سطح معاشرت پذیری میان همسایگان مورد بررسی و سنجش قرار داد .

اصول مبادله اجتماعی آنطور که هومنز و بلاو فرمول بندی کرده اند ، در ایجاد ارتباط میان تعامل و همبستگی مؤثر است . بر طبق نظر نویسندگان مذکور، تعامل غیررسمی می تواند پاداش هایی را برای افراد فراهم سازد . منابع (سودها) مبتنی بر حمایتی است که از منابع شبکه به دست می آید و هر دو رفتار حمایتی فعال و نمادی را در برمی گیرد . در واقع با توسعه مبادلات اجتماعی و بسط روابط اظهاری، اعتماد ساکنان نسبت به یکدیگر افزایش می یابد و سرمایه اجتماعی آنها تقویت میگردد و تعهد مدنی آنها در برابر یکدیگر عمیق تر می شود و همچنین علاقه

آنها نسبت به هم بیشتر می شود. علاقه زمینه مناسبی برای همدلی بیشتر در میان ساکنان ایجاد می کند. همدلی نیز به نوبه خود انگیزش های عاطفی و دگرخواهانه را که بر طبق آن افراد فشار اضطرار مردمان آسیب دیده و گرفتار را در خود حس میکنند، تقویت می نماید.

یک مثال معکوس از این الگوی تقویت کننده در تحقیق اسکوگان (1990) در مورد اجتماعات، به دست آمده است، جایی که از مشارکت محلی صر فنظر شده است. اسکوگان محل هایی را توصیف می کند که دستخوش جابجایی جمعیت شده بودند. این امر ساخت سازمانی را تضعیف می کرد و زمینه مناسبی برای فعالیت های غیرقانونی فراهم میساخت. ساکنان قدیمی تر در این اجتماعات از هر گونه مبادله اجتماعی طفره می رفتند و منزوی بودند. (گیدنز 1378، ص ۴۵۶) با توجه به نتایج تحقیق اسکوگان و سایر محققانی که نظریه بی سازمانی اجتماعی را بررسی کرده اند، به مسائل و مشکلات مختلف اجتماعات مذکور اشاره می کند. او یادآور میشود که مردم در این گونه اجتماعات عمدتاً بر اساس نگرانی هایشان درباره بی نظمی اجتماعی و فعالیت های غیرقانونی که اغلب اثر تراکمی دارد، عمل می کنند: آنها اگر بتوانند مناطق مورد بحث را ترک می کنند، قفل های سنگین برای درها و میله های آهنی برای پنجره هایشان می خردند و تسهیلات عمومی را رها می کنند. اخلال و بی نظمی مهار نشده به شهروندان نشان می دهد که آن منطقه ناامن است. شهروندان بیمناک، خود را از خیابا نها دور نگه میدارند، از محلات خاصی دوری می جویند و فعالیت های عادی و ارتباطا تشان را محدود میکنند. همان گونه که به طور فیزیکی کناره گیری می کنند، از نقش های حمایت متقابل با همشهریان خود نیز کناره می گیرند، و بدین سان کنترل های اجتماعی که که سابقاً به حفظ مدنیت در اجتماع محلی کمک می کرد رها می کنند در نهایت، نتیجه برای محله ای بافت زندگی شهری و آمیزش اجتماعی در آن تضعیف شده است، آسیب پذیری فزاینده در برابر رخنه رفتار بی نظم تر و جرائم خطرناک است.

دقیقاً آنچه اسکوگان و گیدنز و... توصیف می کنند پیامدهایی هستند که با زوال مدنیت روزمره و تضعیف اجتماع همراه اند. استیفن کارتر مدنیت را مجموع از خودگذشتگیهای که از بسیاری از ما خواسته می شود برای زندگی با همدیگر داشته باشیم تعریف میکند. مدنیت در رابطه ما با بیگانه ها است - احساس امنیت در برابر برخوردها در مکا نهایی عمومی با افرادی که ممکن است هرگز بیش از یک بار آنها را نبینیم.

امروزه بسیاری از محققان تضعیف اجتماع را در جهان مدرن ناشی از چیرگی روابط ابزاری (سرد) بر روابط اظهاری (گرم) می دانند. کاهش اهمیت اجتماع موجب از بین رفتن ساز و کارهای میانجی گری می شود که احساس آسیب پذیری فرد را در مقابل تهدیدات، تخفیف می دهد. بر طبق نظریه نظم اجتماعی (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۵) در صورتی که به هر دلیل روابط گرم در عرض جامعه به سردی گراید و احساس تعلق افراد به جمع سست شود، به همان نسبت نیز اعتماد اجتماعی و نظم هنجاری و تعهدات جمعی و عمومی تضعیف میشوند. در بعد حمایت اجتماعی، کاهش چگالی و فراوانی روابط حمایتی بین گروهی را می توان نوعی اختلال رابطه ای تلقی نمود. منظور از روابط حمایتی اجتماعی، روابط و مبادلات نامتقارن گرم در شئونات مختلف اجتماعی است. (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۵۸)

اختلال رابطه ای افراد را در مقابل شداید اجتماعی آسیب پذیر می سازد. عدم امکان ارتباط منطقی و مشروع در سطوح جامعه منجر به احساس بی یابوری و عجز می شود که این امر زمینه مناسبی برای احساس ناامنی و ترس فراهم میسازد.

۴-۱۳-۲- درک از میزان وقوع جرم و جنایت:

این عامل در ارتباط تنگاتنگ با بی‌نظمی اجتماعی قرار دارد. به گونه‌ای که هر چقدر میزان بی‌نظمی اجتماعی بیشتر باشد مردم در محلات مسکونی درک بیشتری از جرم و جنایت خواهند داشت. علاوه بر بی‌نظمی اجتماعی یکی دیگر از عوامل تعیین‌کننده‌ی میزان درک از وقوع جرم و جنایت در جامعه رسانه‌ها می‌باشند. در عصر اطلاعات اخبار به راحتی از یک گوشه‌ی جهان به گوشه‌ی دیگر آن می‌رسد. این که در این اطلاع‌رسانی و به صورت مکرر اخبار وقوع جرم در یک محله یا یک شهر خاص اعلام شود باعث می‌شود تا درک ساکنین و سایرین از میزان وقوع جرم در آن مکان تحت تاثیر این عوامل تبلیغاتی روانی بالا رود. این امر باعث افزایش میزان احساس ترس از بودن در آن مکان و در نتیجه کاهش میزان احساس امنیت در آنجا می‌شود.

۱۴-۲- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به آن چه در این فصل مطرح گردید می‌توان چنین گفت:

- ۱- امنیت یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان است و در مرحله بعد از نیازهای اولیه انسان قرار دارد. مهم‌ترین نیاز برای درک، شناخت و استفاده از مواهب محیط، تأمین نیازهای ایمنی است. در صورت عدم تأمین امنیت، ذهن فارغ نخواهد شد و بنابراین فرصت‌های خود را صرف درک امکانات دیگر نخواهد کرد. لذا در طراحی فضاهای شهری کارآمد باید به ایجاد زمینه‌هایی برای تأمین این نیاز توجه شود.
- ۲- امنیت مفهومی چالش‌برانگیز و نسبی است. مفهوم سازی امنیت هنگامی پیچیده و بغرنج‌تر می‌شود که آن را موضوعی بین‌رشته‌ای تصور کنیم که مورد توجه روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و علمای علم سیاست قرار دارد. زیرا هر یک از دیدگاه خاص خود به بررسی موضوع می‌پردازند.
- ۳- میان امنیت و احساس امنیت تفاوت وجود دارد. در واقع احساس امنیت ناشی از ادراک روانی شخص از محیط است و تنها مسائل کالبدی در ایجاد آن موثر نیست. احساس امنیت در محیط با متغیرهای عوامل بی‌نظمی اجتماعی و رفتارهای غیرمدنی، ریسک و مخاطره، حمایت اجتماعی (یاری و امداد) و درک از میزان وقوع جرم و جنایت سنجیده می‌شود.
- ۴- عوامل طراحی محیطی می‌توانند نقش بسیار مهمی در ارتقا سطح امنیت در سکونتگاههای شهری و به ویژه شهرهای مرزی داشته باشند رعایت استراتژی‌های طراحی محیط در الگوهای معماری و شهرسازی این شهرها می‌تواند به کاهش وقوع جرم در آنها کمک نماید.
- ۵- مولفه‌های روانی اجتماعی، علاوه بر عوامل طراحی محیطی که بر جنبه‌های عینی امنیت تاثیر دارند، دارای تاثیر مهمی بر احساس امنیت توسط ساکنین و امنیت درک شده توسط آنها دارند. قوی شدن روابط همسایگی بین ساکنین، هویت دادن به فضاهای شهری و تبدیل آنها به مکان ارتباط اجتماعی و تعامل مردم و همچنین ایجاد حس تعلق به مکان از جمله راهکارهایی هستند که بر جنبه‌های روانی امنیت تاثیر گذارند و موجب ارتقای حس امنیت ساکنین می‌شوند.

منابع و ماخذ

- صالحی، اسماعیل، (۱۳۸۷)، ویژگی‌های فضای شهری امن، تهران، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری
- امیرکافی، مهدی، (۱۳۸۶)، بررسی احساس امنیت و عوامل موثر بر آن، تهران، نشریه تحقیقات علوم اجتماعی ایران

- ماندل، رابرت، 1379 چهره متغییر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی؛ تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم

English references:

- Un-habitat, 2007, enhancing urban safety and security : global report on human settlement 2007, Nairobi, Kenya
- Kelly, Eric Damian , Crabtree, Dain (2009), Securing The Built Environment: An Analysis Crime Prevention Through Environmental Design, Ball State University, Muncie, Indiana
- P. COZENS, (2008), CRIME PREVENTION THROUGH ENVIRONMENTAL DESIGN IN WESTERN AUSTRALIA: PLANNING FOR SUSTAINABLE URBAN FUTURES, Department of Urban and Regional Planning, Curtin University of Technology, Western Australia
- Minnery, John, Lim, Bill, (2005), Measuring Crime Prevention Through Environmental Design, Journal of Architectural And Plannig Research, vol. 330
- Rothrock, Sara E, (2010) , Antiterrorism design and public safety : reconciling CPTED with the post, Massachusetts Institute of Technology. Dept. of Urban Studies and Planning.
- Lyon, David, (2007), Surveillance, Security and Social Sorting Emerging Research Priorities, International Criminal Justice Review September vol. 17 no. 3 161-17
- Reynald, Danielle M. , Elffers, Henk, (2009), The Future of Newman's Defensible Space Theory Linking Defensible Space and the Routine Activities of Place , European Journal of Criminology January vol. 6 no. 125



Archive of SID

SID



سرویس های
ویژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



عضویت در
خبرنامه



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی